



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خبرگان منتخب ملت - 9 / شهریور / 1385

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه ی آقایان محترم خوش آمد عرض میکنم و از خداوند متعال مسئلت میکنم که این زحمات و تلاشها را به عین قبول مورد نظر قرار دهد و همه را مشمول توفیق و رحمت و برکات خود قرار دهد.

شعبانیات مبارکه را تبریک عرض میکنیم؛ چه خود ایام شعبان، چه اعیاد شعبان؛ بخصوص این موالیدی که بر آنها مرور کردیم و میلاد حضرت بقیةالله الاعظم (ارواحنافداه) که در پیش داریم و خداوند متعال توفیق دهد بتوانیم به برکت این وجودات مقدس و مبارک، خودمان را هر چه بیشتر به صراط مستقیم الهی نزدیک کنیم.

لازم میدانم از مجلس کنونی خبرگان تشکر کنم که علی الظاهر آخرین اجلاسیه ی خودش را برگزار کرد و در طول مدت مسئولیت، کارهای باارزشی را انجام داد؛ اولاً اجلاسهای متعدد و مضاعف - تقریباً دو برابر دوره ی قبلی - طرح و توجه به مسائل مهم در این اجلاسیه ها و کارهای جانبی ای که انجام گرفته است، که لازم است افکار عمومی در جریان این تحرکات و این اقدامات قرار بگیرد. مثلاً در دبیرخانه کارهای خوبی انجام گرفته؛ مانند مجله ی حکومت اسلامی که شماره های متعدد منتشر شده، که شامل مباحث خوب و تحقیقی است؛ مرکز تحقیقاتی راه اندازی شده است که مسائلی در آنجا مطرح میشود و مورد پژوهش قرار می گیرد؛ نشستهای علمی - تخصصی ای پیرامون مسائل مرتبط با خبرگان گذاشته اند؛ برنامه های علمی ای در مسئله ی ولایت فقیه و مسائل مربوط به رهبری با همکاری صدا و سیما تولید و پخش شده و در اختیار مردم قرار گرفته است. اینها کارهای باارزشی است که انجام گرفته. بیانیه های مجلس خبرگان در هر دوره - که در همین اجلاس هم من بیانیه را دیدم - بسیار متین و شامل مباحث مهم و نشان دهنده ی گرایش و جهتگیری مجموعه ی زبندگان علمی و سیاسی کشور در زمینه ی مسائل اصولی انقلاب و نظام است. ما باید از یکایک آقایان تشکر کنیم.

آنچه که من امروز عرض میکنم، مسئله ی جایگاه مجلس خبرگان است. مجلس خبرگان در حقیقت یک پشتوانه ی عظیمی برای نظام است؛ مثل صندوق ذخیره ی ارزی معنوی نظام. یک پشتوانه و یک ذخیره ی معنوی است که باید حاضر باشد، آماده باشد، پایه کار باشد و به روز باشد برای هنگام لازم و مورد نیاز؛ همچنان که کشورها نیروهای مسلحشان را آماده نگه میدارند، سالهای متمادی در پادگانهایشان هستند و عملاً کاری انجام نمیدهند؛ لیکن برای لحظه ی مورد نیاز به روز و آماده نگه میدارند. مسئله ی مجلس خبرگان، یک چنین چیزی است. اگر این مجلس نباشد، در آن ساعت فقدان و خلأ رهبری، هیچ دست و انگشتی گره گشای مشکلی که پیش خواهد آمد، نخواهد بود. این، آن مجلسی است که کار آن در لحظه ی بحران و در لحظه ی لزوم گره گشایی اساسی است. این مجلس باید همیشه باشد، همیشه آماده ی به کار باشد، متوجه اوضاع باشد، مسائل جاری، مهم و اساسی کشور را دائماً مورد سنجش قرار دهد و برای آن لحظه ای که نیاز هست، آن کار اصلی خودش را - که انتخاب رهبری است - انجام دهد. این، اهمیت مجلس خبرگان را نشان میدهد. در لحظه ی بحران، نقش آفرینی منحصر به این مجلس است.

و انسان می بیند که این سازوکاری هم که قانون اساسی برای تشکیل مجلس خبرگان فراهم کرده است، عاقلانه ترین و متین ترین سازوکار است. والا اگر قرار بود در لحظه ی نیاز، آن وقتی که باید از سوی مردم رهبر انتخاب شود



یا از سوی گروه خاصی انجام بگیرد - که سابقه نداشت - برای آن گروه قطعاً مشکلات و معضلاتی پیش می‌آید که قابل حل نبود. قانون اساسی، مردم را به شکل انتخابات خبرگان، به طور کامل در متن قضیه وارد کرده است؛ مردم انتخاب میکنند، این ذخیره‌ی معنوی را برای کشور ایجاد میکنند و این ذخیره‌ی معنوی در هنگام لزوم، کاری را که باید انجام بدهد، انجام میدهد. این کار اصلی است و اهمیت مجلس خبرگان را از اینجا میتوان فهمید.

خوب، آنچه که بر این معنا مترتب است، الزاماتی است که این جایگاه و نقش مهم، با خود همراه می‌آورد. این طبیعی است، هر چه کار مهمتر و نقش اساسی‌تر و محوریت‌تر باشد، طبعاً الزامات هشداردهنده‌تری در کنار آن وجود خواهد داشت.

اولین چیزی که جزو الزامات این جایگاه به حساب می‌آید، این است که ما مجلس خبرگان را در وضعی قرار دهیم که برای مردم اطمینان بخش و مورد قبول و اعتماد آنها باشد. هر گونه حرکتی که به تضعیف جایگاه مجلس خبرگان بینجامد، نقطه‌ی مقابل این رویکرد است. مجلس خبرگان را نباید تضعیف کرد. مردم وارد میدان میشوند، فکر میکنند، مطالعه میکنند، مشورت میکنند و رأی میدهند و این مجلس تشکیل میشود؛ پس مجلسی است که خود مردم آن را تشکیل داده‌اند، کما اینکه همین مجلسی که شما آقایان محترم در این دوره نماینده هستید، در هشت سال پیش از این که بنا بود انتخابات آن انجام بگیرد، تبلیغاتی برای عدم شرکت مردم در این انتخابات از ماورای مرزهای ما شروع شد؛ یعنی رسانه‌های بیگانه از مدتی قبل از انتخابات، یک برنامه‌ی طولانی‌ای را شروع کردند تا مردم را نسبت به انتخابات خبرگان دلسرد کنند، آن را کم‌اهمیت و بی‌فایده جلوه بدهند و مانع از حضور مردم بشوند. مثل همیشه آن حرف‌های پژواک‌هایی هم در داخل داشت و متأسفانه در داخل هم کسانی دنباله‌ی همان صداها را گرفتند تا اینکه مردم را از پای صندوق‌های رأی دور کنند و نگذارند. از چند ماه قبل از انتخابات خبرگان، این کار انجام گرفت. خوب، مردم علی‌رغم همه‌ی اینها آمدند، هجده میلیون - که یک رقم بسیار بالایی است - در یک چنین انتخاباتی وارد شدند، رأی دادند و بحمدالله این مجلس تشکیل شد.

مردم اعتماد میکنند؛ نباید این اعتماد آنان به هیچ کیفیتی خدشه دار شود؛ چه در تبلیغات گوناگونی که مربوط به این مجلس است - که حالا این طور چیزها را در پیش خواهیم داشت - و چه در اظهارات گوناگون با انگیزه‌های سیاسی یا غیرسیاسی. چیزی که مردم را نسبت به این مجلس مهم و مؤثر و اجتناب‌ناپذیر مردد کند و اعتماد آنها را کم کند، نایستی از افراد صادر شود. این یکی از الزامات است که نایستی بگذاریم با اظهارات نسنجیده، اعتمادی که مردم دارند و اظهار کرده‌اند و چند دوره این اظهار اعتماد تکرار شده است، متزلزل بشود.

کار دیگری که باید انجام بگیرد، این است که این مجلس باید از وزانت برخوردار باشد؛ یعنی کسانی در این مجلس شرکت نکنند که بعد از آن که مورد انتخاب قرار گرفتند و اینجا آمدند، آن وزانت و موقعیت لازم را از لحاظ علمی، سیاسی، وجهه‌ی اجتماعی و دیانت داشته باشند که در آن روزی که آنها بناست یک انتخابی انجام بدهند، این انتخاب آنها مردم را خاطر جمع کند. پس وزانت این مجلس هم یکی از مسائل بسیار مهم است.

صاحبان صلاحیت هم بایستی سعی کنند که خود را در معرض این کار قرار بدهند؛ یعنی واقعاً هر کسی که احساس میکند میتواند و صلاحیت این کار را دارد که در یک چنین مجلسی برای تکلیف و برای خاطر خدا عضو باشد و وظیفه‌ی او را که در موعده‌ی که خدای متعال از آن خبر دارد و ما خبر نداریم، بر عهده‌ی آنها خواهد گذاشت، آن را



آزادانه، مستقل و با توجه به تکلیف شرعی انجام بدهد، کسی که یک چنین خاطرجمعی ای را از خود دارد، به نظر من وظیفه ی شرعی اوست که خودش را در معرض این معنا قرار بدهد و به میدان بیاید. ما در مورد انتخاباتهای دیگر هم بارها گفته ایم، کسانی که در انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و امثال اینها در خود صلاحیت می بینند که به داخل میدان بیایند؛ اما در اینجا این مسئله از آن انتخاباتها مؤکدتر است. آن کسانی که واقعاً احساس میکنند این صلاحیت و توانایی را دارند، بیایند، وارد این میدان بشوند و خودشان را در معرض انتخاب مردم و حضور در این مجلس مهم و محترم قرار بدهند. آحاد مردم هم باید وظیفه بدانند. حالا ما ان شاءالله در فرصت خود درباره ی مجلس خبرگان به مردم مطالبی عرض خواهیم کرد و توصیه هایی داریم که ان شاءالله برای مردم میگوییم. دیر نشده است. اجمالاً اینجا عرض بکنیم که این، یک وظیفه ی عمومی است؛ همه احساس کنند وظیفه دارند که این کار را انجام بدهند. این هم یکی از چیزهایی است که باید برای حفظ اعتبار این مجلس مورد توجه باشد.

این مجلس جای مسائل خطی و جناحی و دسته بازی و گروه بازی نیست؛ هدف این مجلس و آن مقصود و غرضی که برای آن به وجود آمده، یک مسئله ی کاملاً عمومی و ملی است. مسئله ای نیست که انگیزه های جناحی و خطی و مخالفتهای سلیقه ای و اینها حق داشته باشند که در کار این مجلس دخالت کنند. این مجلس بالاتر از این حرفهاست. بنابراین صاحبان عقاید و سلايق سیاسی میتوانند در همه جا، از جمله در این مجلس حضور داشته باشند؛ لیکن جای اعمال این اغراض و این جناح و خطگراییها اینجا نیست. باید از این انگیزه های جناحی جداً پرهیز کرد.

من آنچه که درباره ی وضع کنونی کشور میتوانم به شما آقایان محترم عرض بکنم، این است که بحمدالله و حسن توفیقه، وضع عمومی کشور در همه ی بخشها رو به جلو و پیشرفت است. مبدا بعضی از محاسبات موقتی یا بعضی از پدیده های کوتاه مدت و موقت، ما را از نگاه بلندمدت نسبت به آنچه که وجود دارد، غافل کند و دور بیندازد؛ نه، ما حقیقتاً رو به جلو و به سمت اهداف انقلاب حرکت کرده ایم و الان در کشور آنچه که واضح و محسوس است، شتاب گرفتن فعالیتهای سازنده ی کشور است. حقاً و انصافاً مسئولان کنونی در حرکت به سمت کارهای لازمی که برای کشور متصور هست، با شتاب، با حرکت سریع و بدون تفویض فرصت دارند حرکت می کنند؛ جهتگیریها و هدفگیریهایشان هم درست است. هدفگیری «عدالت اجتماعی» هدفی است که همه ی ما دنبال آن هستیم؛ اصلاً فلسفه ی وجود ما این است. یا هدف «رسیدگی به مناطق محروم و مناطق دوردست» اینها جزو آرزوهای ماست.

در مجموعه ی کسانی هم که امروز در دولت و قوه ی مجریه مشغول فعالیت هستند، انسان مشاهده میکند که ذهنهای باز، فعال و نگاههای عالمانه در بین آنها زیاد است. علاوه بر آنچه که انسان در نشانه های کاری آنها میتواند ببیند، در گزارشهای رسمی و اطلاعاتی و دیدارهایی که ما با بعضی از وزرای محترم داریم، انسان دارد مشاهده میکند و می بیند ذهنیت منطقی، متکی به نگاه علمی و دور از مسامحه کاری در محاسبه وجود دارد. الان، برنامه ها این طور است. دارند فکر میکنند، کار میکنند، بررسی میکنند و بی وقفه اقدام میکنند و حرکت میکنند؛ این خیلی مغتنم است. یک مجموعه ی جوان، پرنشاط و تازه نفس وارد میدان شده اند و دارند خوب کار میکنند. من میشنوم و می بینم تبلیغاتی را که از اطراف - عمدتاً هم از مخالفان خارج از کشور و مخالفان اصل نظام - علیه جهتگیریهای کنونی وجود دارد، این جلو چشم ماست؛ ما همه ی این خبرها را می بینیم، میشنویم و می فهمیم که آماج این تبلیغات، چه کسانی هستند و ذهن چه کسانی را میخواهند از واقعیتها منحرف کنند. واقعیت این است که عرض کردیم؛ در همه ی زمینه ها به معنای حقیقی کلمه دارد کار انجام می گیرد؛ آن هم کار خوب. خوب، اثرش هم این بوده است که در مردم - بخصوص در جوانان - حقیقتاً نشاطی به وجود آمده است؛ نشاط کار، امید و نگاه به آینده؛



این را هم انسان از مراجعات مردم و از اطلاعاتی که انسان دارد، می فهمد و لمس میکند.

در عرصه ی سیاست خارجی هم همین طور است. ما امروز در زمینه های سیاست خارجی تحرك و نشاطمان خوب است و انسان این تحرك و نشاط و فعالیت وسیع را می بیند که هست. ابتکار عمل هم در بسیاری از مسائل جهانی در دست نظام جمهوری اسلامی است؛ بخصوص در مسائل منطقه ای. این يك پدیده ی کم سابقه و کم نظیری است که ابتکار عمل در دست مسئولان نظام جمهوری اسلامی است. این طور نیست که منتظر نشست باشند تا دیگران يك حرفی بزنند و اینها هم به مخالفت یا موافقت يك چیزی بگویند؛ نه، اینها اقدام و ابتکار میکنند. خوشبختانه حوادثی هم که پیش آمده - که حقیقتاً امدادهای الهی است - اینها هم کمک کرده است. همین حادثه ی شگفت آور لبنان یکی از این حوادث است. حقیقتاً مصداق: «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» همین حادثه ی لبنان بود. خدا دست قدرتمند الهی این جوانها را مثل «ژبر الحديد» آن چنان در این میدان دشوار نفوذناپذیر کرد که [نقص نوار] عظیم و مهمی بود این حادثه. ارتشی که کشورهای قوی همسایه ی آن تصور نمیکردند که بتوانند در مقابل آن مقاومت کنند، چه برسد به اینکه به آن این طور ضربه وارد کنند. دشمن صهیونیستی در لبنان، آن هم در مقابل بخشی از امکانات لبنان، نه فقط متوقف شد، بلکه ضربه هم خورد، بر او خسارت وارد آمد، بی آبرو شد و نتوانست بیاید اهدافی را که ترسیم کرده بود؛ حتی عُشری از آنها را هم تصرف کند و به آن اهداف دست پیدا کند. این خیلی حادثه ی عجیبی است. مخالفان و معاندین اسلام و مسلمین حاضر نیستند این را به زبان اعتراف کنند؛ اما در لابه لای حرفهای آنها کاملاً میشود فهمید. اینها مبهوتند! مانده اند! يك حادثه ی عظیمی است که اصلاً قابل فهم و تحلیل نیست. حالا میخواهند بنشینند درباره اش بحث و تحلیل کنند و ببینند چه شد که این طور شد؛ اما شد. این امداد و لطف الهی بود که با مجاهدت و تلاش به دست آمد.

در خود فلسطین هم همین طور است؛ همین پیروزی حماس در چند ماه قبل از این در انتخابات مردمی روی کار آمدن دولت حماس؛ به زبان يك حرف آسانی است. حماس، يك گروهی که تحت تعقیب هم دشمن غاصب و هم آن حکومتی که با همراهی دشمن غاصب بر سر کار آمده بود و در طول چند سال مورد مطارده و اذیت و آزار آنها بود، و بچه ی کوچک و پیرمردشان را در ساحل شرقی و غزه راحت هدف قرار میدادند و نابود میکردند؛ این گروه که رهبران جرئت نمیکند در خود فلسطین حضور پیدا کنند و مورد تهدید قطعی هستند؛ يك چنین گروهی به حکومت در فلسطین برسد! این اصلاً حادثه ی شگفت آوری بود؛ اما این حادثه اتفاق افتاد.

حالا دشمنان نظام اسلامی و جمهوری اسلام تبلیغ میکنند که ایران کمک و حمایت کرد، که حالا اینها حرفهای غلطی است؛ اما آنچه که واقعیت دارد، این است که ملت ایران و نظام اسلامی و انقلاب اسلامی با این پیروزیهای بزرگ - که همه میدانند در شعاع حرکت انقلابی ملت ایران بود - تقویت شد؛ در این هیچ تردیدی نیست و این سابقه ندارد. امروز بعد از سالهای متمادی، برای جمهوری اسلامی يك چنین موقعیتی پیش آمده است؛ این، اعتبار جمهوری اسلامی، عزت جمهوری اسلامی، عظمت و نفوذ انقلاب و روانی و رسایی و جاذبه ی شعار و پیام انقلاب را برای همه ی دنیا روشن کرد. امروز در همه ی کشورهای عربی و بلکه کشورهای اسلامی، دلهای جوانها و طبقه ی روشن بین جامعه، سرشار و لبالب از دلبستگی به این شعارها و جهتگیری است؛ انسان این را مشاهده میکند، در گزارشها می فهمد و از نشانه ها و آثارش به دست می آورد.

خوب، این کمک به ماست و خوشبختانه در داخل هم ما مشکل اساسی ای نداریم. البته کار سخت است؛ من نظرم



هست زمان حیات مبارک حضرت امام (رضوان الله علیه) افراد از دستگاههای مختلف - چه وزارتخانه ها، چه دستگاههای دیگر - پیش امام میآمدند و شکوه هایی میکردند: آقا فلان جا چنین نقصی وجود دارد، فلان جا این اشکال وجود دارد؛ بارها امام در جواب اینها میگفتند: «آقا! کار سخت است.» در واقع هم همین طور است. از خواستن تا توانستن و از توانستن تا تحقق پیدا کردن، فاصله های زیادی است؛ انسان خیلی کارها را میخواهد بکند، لیکن راه طولانی است و مقدماتی دارد. در طی این مقدمات نباید بی حوصلگی کرد. اگر روشن شد که تلاش دارد انجام میگیرد و جهتگیری هم درست است، بایستی منتظر نتایج بود تا ان شاء الله به آن نتایج دست پیدا کنیم.

در همین زمینه هایی هم که آقایان فرمودند، خوب کارهایی دارد انجام میگیرد. خوشبختانه چه در زمینه ی مسائل اخلاقی جامعه، چه در زمینه ی مسائل فرهنگی و چه در زمینه ی مسائل اداری، مسئولان بی تفاوت نیستند؛ عیب و بیماری را احساس میکنند، در مورد آن فکر هم میکنند و به دنبال علاجش هم هستند و به نتایجی هم میرسند. البته ممکن است بعضی از این نتایج درست باشد، بعضی غلط باشد؛ بعضی از راهکارها مؤثر باشد، بعضی مؤثر نباشد؛ اینها همیشه در همه ی کارها محتمل است. بالاخره انسان تا به آنجا برسد، کار دشواری پیش رو دارد.

من آخرین نکته ای را که میخواهم عرض بکنم، این نگرانی و دغدغه ای است که بنده به مناسبت حضور موسم انتخابات در کشور ما، از تخریبها دارم. متأسفانه چند وقتی است که رائج شده؛ من حقیقتاً از این جهتگیری ای که در گوشه و کنار مشاهده میشود، نگرانم. نه اینکه حالا افراد زیاد هم هستند، نه، عده ی کمی هستند؛ منتها همان تحرك عده ی کم، فضای جامعه را خراب میکند؛ مثل يك جمعیت هزار نفری یا دوهزار نفری که يك جا نشسته اند، پنج، شش نفر هم دچار سرماخوردگی و سرفه اند و دائم سرفه میکنند؛ این کار فضای مجلس را خراب می کند؛ واقعاً این طوری است.

متأسفانه عده ای با انگیزه های گوناگون، تا فصل انتخابات میشود، تخریبهایشان هم از همان نزدیکی انتخابات شروع میشود. حالا بعضی با انگیزه های سیاسی و بعضی با انگیزه های حتی دینی اشخاص - چهره های سیاسی، چهره های دینی، چهره های انقلابی، موجهین حوزه های علمیه و حتی محترمین از علما و روحانیون - را مورد تخریب قرار میدهند. این چه کاری است؟! این نه منطق شرعی دارد و نه منطق عقلایی؛ نه شرع با این کار موافق است، نه عقل. اگر واقعاً انسان از يك جهتگیری ای که خیال میکند فلان کس یا فلان کسان در آن جهتگیری هستند، ناراضی است، راهش تخریب و اهانت به اشخاص نیست، راهش اسم آوردن از این و آن نیست، راهش تبیین است. از اول، حرکت انقلاب بر اساس تبیین به وجود آمد و حقایقی تبیین شد. وقتی انسان يك جایی روشنایی را معرفی کرد، تاریکی به خودی خود معرفی خواهد شد. عیبی ندارد تاریکی را هم معین کنند. اسم آوردن از اشخاص، تخریب کردن چهره های محترم و موجه، منطق عقلی ندارد. اگر کسانی هدفشان این است که میخواهند يك خط انحرافی را کور و خراب کنند، راهش این نیست؛ این، آن مقصود را حاصل نمیکند. از نظر شرعی هم که معلوم است. این طور کارها عادتاً خالی از افتراء ناخواسته، دروغ ناخواسته و قول به غیرعلم ناخواسته، نیست. قرآن به ما میگوید: «لو لا اذ سمعتموه ظن المؤمنین و المؤمنات بأنفسهم خیرا»؛ چرا به هم حسن ظن ندارید؟ چرا حمل بر صحت نمیکنید؟ خوب شما کسی را قبول ندارید، آن اثری را که بر قبول داشتن مترتب میشود، مترتب نکنید؛ اما اینکه انسان بیاید دست به تخریب بزند، این بسیار کار بدی است. من آن چیزی را که الآن در این شرایط در باب انتخابات میخواهم بگویم، همین نکته است. حالا حرفهای دیگری در باب انتخابات هست که بعداً عرض خواهیم کرد. مراقب باشند انتخابات را - بخصوص انتخابات خبرگان را - با فضای تخریب و مخدوش کردن چهره ی افراد، متهم کردن اشخاص - چه در



حوزه ها علمیه، چه در تهران، چه در شهرستانها - آلوده نکنند. این از جمله ی چیزهایی است که همه باید به آن توجه کنند و به آن اهمیت بدهند. تا ان شاءالله خدای متعال هم راه را باز کند و مردم و دلہایشان را هدایت کند؛ دلہای مردم دست خداست. ایجاد امید، ایجاد انگیزه و عزم توفیق حرکت کردن به سمت کار و هدف درست، خدای متعال اینها را به انسانها میدهد. از خدای متعال بخواهیم و به او توکل کنیم. آنچه را هم که وظیفه ی ماست، انجام بدهیم؛ نتیجه را هم به خدا واگذار کنیم. هر چه که خدای متعال خواست، همان انجام خواهد گرفت؛ ان شاءالله آن محصول نیت و کار خیر ما باشد و ان شاءالله مطلوب ما باشد. این طور بایستی حرکت کرد.

از خداوند متعال میخواهیم که همه ی ما را به راه راست و صراط مستقیم هدایت کند و ملت بزرگ، انقلابی، مؤمن و هوشمند ما را در وظایفی که بر عهده ی اوست، ان شاءالله تواناتر و موفق تر بدارد و این پیشرفتهایی که انسان در زمینه ی علمی، فناوری، سیاسی، اقتصادی و غیره مشاهده میکند یا آثار آن را مشاهده میکند، ان شاءالله این را روزافزون بفرماید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته